

## مروری گذرا بر پیدایش و رشد طبقه کارگر

(بخش هفتم)

بهرام رحمانی

bamdadpress@telia.com

### انترناسیونال دوم

هم زمان با رشد و گسترش مبارزه اقتصادی و سیاسی جنبش کارگری، تشکل‌های کارگری، احزاب و سازمان‌های سیاسی پرولتری، زمینه را برای نیاز مبرم به یک تشکل بین‌المللی کارگری مساعد ساخت.

در این دوره رهبران جنبش کارگری و احزاب سیاسی پرولتری ارتباط و تماس بیش‌تری با یکدیگر برقرار کرده بودند که برخی از آنها از تجارب انترناسیونال اول و تاثیر و نقش آن در رشد و گسترش روابط بین‌المللی کارگران و هماهنگی مبارزات آنها نیز برخوردار بودند.

در سپتامبر ۱۸۷۷، یک کنگره بین‌المللی کارگری در شهر «خنت» بلژیک، تشکیل گردید که به بحث و تبادل نظر پیرامون جنبش کارگری و اتحاد بین‌المللی آن پرداخت. اما از آن جایی که در اجلاس این کنگره، اختلافات شدیدی میان کمونیست‌ها و آنارشویست‌ها وجود داشت، تصمیم مشخصی و روشنی در ارتباط با تصمیم‌گیری‌ها اتخاذ نشد. اما دستاورد مهم آن، تماس نزدیک‌تر میان جریان‌های کمونیست دورن جنبش کارگری بود.

در ۱۸۸۱، به ابتکار سوسیالیست‌های بلژیکی و آلمانی کنگره دیگری در شهر «چور»، نزدیک زوریخ برگزار گردید. در همین کنگره، در مورد مسئله احیای انترناسیونال بحث‌های جدی صورت گرفت و به رغم این که در مجموع این نظر وجود داشت که هنوز وقت احیای انترناسیونال فرا نرسیده است اما در مورد تدارک برای احیاء آن تصمیم‌گیری شد. همچنین در این کنگره، پیرامون تاکتیک‌های جنبش کارگری بحث و تبادل نظر به عمل آمد و بر مبارز سیاسی با آنارشویسم مرزبندی گردید.

در سال‌های ۱۸۸۳ و ۱۸۸۶ نیز اجلاس بین‌المللی دیگری در پاریس برگزار گردید. در کنگره ۱۸۸۶، به ابتکار سوسیالیست‌های بلژیک، برگزاری یک کنگره بین‌المللی در ۱۸۸۹ و ایجاد یک سازمان بین‌المللی به منظور سازمان‌دهی و پیش‌برد امر مبارزه برای تحقق شعار روزانه کار ۸ ساعت، به تصویب رسید.

در ۲۸ ژانویه ۱۸۸۹، کنفرانسی از سازمان‌های کارگری آلمان بلژیک سوئیس، هلند و فرانسه، به منظور بحث در مورد تدارک کنگره برگزار گردید که علاوه بر ناظرینی از اتحادیه سوسیال‌دمکرات

دانمارک، نمایندگان از اتحادیه سوسیالیستی بریتانیا هم شرکت کردند، اما امکان‌گرایان در این کنفرانس شرکت نکردند. تصمیمات این کنفرانس در مورد نیروهای شرکت‌کننده و دستور جلسه کنگره بود. کنفرانس لاهه تصمیم گرفت که در ۱۸۸۹ یک کنگره عمومی بین‌المللی تشکیل گردد. همه سازمان‌های سیاسی که در مبارزه سیاسی شرکت دارند باید به کنگره دعوت شوند و این کنگره باید مستقلاً در مورد دستور جلسه و آیین‌نامه خود تصمیم بگیرد. امکان‌گرایان از پذیرش این تصمیمات نیز سر باز زدند. سرانجام در ۱۴ ژوئیه، سال روز فتح باستیل، دو کنگره جداگانه در پاریس تشکیل گردید.

### **کنگره سوسیالیست‌های متحد و کنگره سوسیال‌رفرمیست‌ها**

کنگره سوسیالیست‌های متحد متمایز از کنگره امکان‌گرایان، در حقیقت امر همان‌گونه که جریان پیشرفت امور نشان داد، کنگره افتتاحیه انترناسیونال دوم بود. در این کنگره، ۳۸۳ نماینده از ۲۰ کشور جهان حضور داشتند که نماینده حدود ۳۰۰ سازمان کارگری سوسیالیستی بودند. این تعداد تا صبح روز ۱۷ ژوئیه به ۴۰۷ نفر افزایش یافت. در این کنگره، سرشناس‌ترین رهبران جنبش کارگری آن دوران حضور داشتند. معروف‌ترین چهره‌های این کنگره لیب کنشت، ببل، کلارازتکین، برنشتین، فون ولمار از آلمان، ژول گسد، فرانکل، پل لافارگ، ویلان ولونگه از فرانسه، واندرولد و آنسیل از بلژیک، ویکتور آدلر از اتریش، نیوونهور از هلند، ایگلسیاس از اسپانیا، سیپریانو از ایتالیا و پلخانف، زاسولچ و آکسلرد از روسیه حضور داشتند. هیات رئیسه این کنگره، از ۲۷ تن از برجسته‌ترین فعالین جنبش کارگری و ۵ کارگری که معدن‌چیان را نمایندگی می‌کردند تشکیل شده بود. نطق افتتاحیه را پل لافارگ ایراد کرد. او در نطق خود گفت که بورژوازی فرانسه، پس از انقلاب تمام کشور را به باستیل کارگران تبدیل کرده است. پل لافارگ، بر تشدید مبارزه و امر همبستگی تاکید نمود. ادوارد ویلان، پیرامون اهمیت بین‌المللی کمون پاریس به بحث پرداخت و از کنگره درخواست نمود که از ایده‌ها و راه کمون پاریس و انجمن بین‌المللی کارگران دفاع کرده و آن را ادامه داد.

سپس نمایندگان کارگران گزارشی از وضعیت جنبش کارگری در هر یک از کشورها ارائه دادند. در ادامه کنگره، بحث بر سر مواضع و تاکتیک‌ها گرفت. در درون کنگره جریان انقلابی مارکسیستی، یک گرایش رفرمیستی سر برآورد. در حالی که اکثریت کنگره خواهان دگرگونی سوسیالیستی را با کسب قدرت سیاسی توسط طبقه کارگر و برقراری مالکیت اجتماعی بر وسایل تولید بود و نیز وظایف و مطالبات مشخص و فوری را با چشم‌انداز تدارک طبقه کارگر برای انقلاب اجتماعی مرتبط می‌ساخت، گرایش رفرمیست، این تحول را از طریق رفرم و سازش با بورژوازی ممکن می‌دانست. به هر حال به رغم وجود این گرایش راست، کنگره پاریس یک مجموعه قطعنامه تصویب نمود که در کلیت خود خصلتی انقلابی داشتند. طی یک قطعنامه انحلال ارتش دائمی، تسلیح عمومی و تشکیل میلیشیای

توده‌ای خواسته شده بود. در این قطعنامه، مسئله جنگ نیز مورد بررسی قرار گرفته بود. قطعنامه تصریح داشت که جنگ محصول مناسبات سرمایه‌داری است. جنگ، هنگامی از میان خواهد رفت که نظام سرمایه‌داری توسط نظام سوسیالیستی جهانی کنار زده شود. بدین طریق نتیجه می‌گرفت که مبارزه برای صلح و مبارزه برای سوسیالیسم به هم مرتبط‌اند.

مطالبه کار روزانه ۸ ساعت، ممنوعیت کار کودکان زیر ۱۴ سال، محدودیت ساعات کار برای نوجوانان به نحوی که از ۶ ساعت تجاوز نکند، ممنوعیت کار شبانه و کارهای سخت و زیان‌آور برای زنان کارگر و نوجوانان، یک روز استراحت هفتگی، ممنوعیت پرداخت جنسی، دست‌مزد برابر زن و مرد در ازای کار برابر، کنترل دقیق در امر رعایت قوانین کار از طریق بازرسانی که توسط خود کارگران انتخاب شده‌اند، آزادی کامل و نامحدود انجمن‌ها و اتحادیه‌ها. کنگره پاریس هم‌چنین بر مبارزه سیاسی و استفاده از پارلمان نیز تاکید نمود که در این جا بار دیگر به اختلاف با آنارشیست‌ها برخورد کرد و سرانجام تصمیم به اخراج آن‌ها گرفت.

کنگره پاریس، در قطعنامه‌های خود ضمن پافشاری بر اشکال مختلف مبارزه و استفاده از ابزارهای مختلف، و نیز تاکید بر سازمان‌دهی مبارزه پرولتاریا برای تحقق یک رشته مطالبات مشخص، مکرر بر این حقیقت تاکید نمود که رهایی کار و تمام بشریت ستم‌دیده تنها از پرولتاریای متشکل شده در مقیاس ملی و بین‌المللی ساخته است که می‌باید قدرت سیاسی را به دست آورد، از سرمایه خلع ید کند و وسایل تولید با به تملک عمومی درآورد. از این رو از کارگران می‌خواست که به احزاب سیاسی پرولتری بپیوندند و برای کسب قدرت سیاسی تلاش کنند.

یکی از قطعنامه‌ها و تصمیمات مهم و جاودانه کنگره پاریس، به روز همبستگی بین‌المللی کارگران اختصاص یافت. کنگره پاریس، به منظور ابراز همبستگی با مبارزه کارگران شیکاگو به خاطر ۸ ساعت کار روزانه در اول ماه مه ۱۸۸۶، خواستار تظاهرات و راه‌پیمایی هم‌زمان کارگران کشورهای مختلف جهان در اول ماه مه ۱۸۹۰، حول مطالبه ۸ ساعت کار روزانه گردید. کنگره پاریس، بر تشکیل کنگره‌های دیگر در آینده تاکید نمود و عصر روز ۲۰ ژوئیه به کار خود پایان داد. هر چند که کنگره پاریس، رسماً و از طریق قطعنامه تشکیل انترناسیونال نوین را اعلام نکرد و ارگان‌های لازم برای یک چنین تشکیلات بین‌المللی در این کنگره ایجاد نکرد، اما با تصمیماتی که اتخاذ نمود و روال کار و فعالیت‌هایی که انتخاب کرد، در حقیقت کنگره افتتاحیه انترناسیونال دوم بود. چرا که در ادامه همین کنگره است که مدتی بعد یک تشکیلات بین‌المللی کارگری با ارگان‌های لازم آن شکل می‌گیرند.

کنگره افتتاحیه انترناسیونال، در حالی پایان گرفت که کنگره رفرمیست‌ها با شکست و اضمحلال با پایان رسید. همان‌گونه که اشاره شد، سوسیال-رفرمیست‌ها نیز در همان روز ۱۴ ژوئیه یک کنگره

موازی را تشکیل دادند. مهم‌ترین جریاناتی که در این جا حضور داشتند، گذشته از امکان‌گرایان، رهبران اتحادیه‌های کارگری بریتانیا و فدراسیون سوسیال دمکرات بریتانیا بودند. البته در اوایل کار، گروهی از جریانات رفرمیست و سازش‌کار دورن کنگره سوسیالیست‌های متحد تلاش نمودند تا با این جریانات به وحدت برسند، اما امکان‌گرایان سرسختانه این تلاش‌ها را نفی کردند، علیه احزاب آلمان و فرانسه موضع‌گیری نمودند و آن‌ها را متهم به پاشیدن تخم نفاق در صفوف طبقه کارگر کردند. امکان‌گرایان خواستار تعطیل کنگره سوسیالیست‌های متحد شدند. این موضع‌گیری‌ها، آن‌ها را بیش از پیش منفرد ساخت تا جایی که گروهی از کسانی که در کنگره‌ها شرکت کرده بودند، به کنگره سوسیالیست‌های متحد پیوستند. سرانجام تنها ۵۸ نفر در این کنگره باقی ماندند که نمی‌توانستند چندان نقشی در جنبش بین‌المللی کارگران داشته باشند. اما این شکست بدان معنا نبود که جریان سوسیال-رفرمیست صحنه را ترک کند. چنان‌چه بعداً خواهیم دید، آن‌ها از طریق حمایت هم‌فکران‌شان راه خود را به دورن کنگره بعدی گشودند و در کنگره بروکسل شرکت کردند تا از دورن، انترناسیونال دوم را متلاشی سازند.

### **اول ماه مه، روز همبستگی بین‌المللی کارگران**

پس از اتمام کنگره، عاجل‌ترین وظیفه‌ای که در برابر سازمان‌های پرولتری و سوسیالیستی متعهد به مصوبات کنگره پاریس قرار داشت، تدارک برگزاری هر چه با شکوه‌تر اول ماه مه، روز همبستگی بین‌المللی کارگران بود.

در اوایل ماه مه ۱۸۹۰، صدها هزار کارگر در کشورهای مختلف جهان سرمایه‌داری به خیابان‌ها ریختند و با تظاهرات و راه‌پیمایی‌های با شکوه و توده‌ای، همبستگی بین‌المللی خود را در مبارزه علیه سرمایه‌داری به نمایش گذاشتند. در این روز، بسیاری از شهرها شاهد تظاهرات‌های اجتماعی حیرت‌آوری بودند. صدها هزار تن در وین، ۶۰ هزار در بوداپست، بین ۴۰ تا ۵۰ هزار در مارس و لیون، ۳۵ هزار در پراگ، بین ۲۰ تا ۳۰ هزار در روبه، لیل، استکهلم، شیکاگو و بسیاری از شهرهای دیگر، ۲۰۰۰۰ در ورشو و ۳۰۰۰۰ در لووف و غیره دست به تظاهرات و راه‌پیمایی زدند. در برخی از شهرهای فرانسه، آلمان و دانمارک، روز اول ماه مه توام با اعتصاب بود. ابعاد گسترده تظاهرات جنبش همبستگی بین‌المللی کارگری در همان نخستین سال برگزاری آن، بورژوازی را به وحشت انداخت. نیروهای سرکوبگر دولت‌های بورژوازی در اغلب کشورها، با توسل به زور و خشونت تلاش کردند تا از برگزاری مراسم اول ماه مه جلوگیری کنند. در برخی کشورها از جمله در ایتالیا، در همان نخستین سال، درگیری سختی بین کارگران و پلیس به وقوع پیوست. سال بعد بورژوازی با آمادگی بیش‌تری به مقابله با جنبش همبستگی کارگران برخاست و درگیری‌ها در فرانسه، اسپانیا و ایتالیا، ابعاد

گسترده‌ای به خود گرفت. در فورمیه، شهرک صنعتی شمال فرانسه، پلیس به روی تظاهرات آرام کارگران آتش گشود که در نتیجه آن، حداقل ۵۰ تن از کارگران و زنان و فرزندان آن‌ها جان باختند. اما اقدامات وحشیانه پلیس نتوانست خللی در عزم و اراده کارگران در برگزاری هر چه با شکوه‌تر مراسم همبستگی بین‌المللی آن‌ها داشته باشد.

### **کنگره دوم انترناسیوال دوم در بروکسل**

در ۱۸۹۱، دومین کنگره انترناسیونال دوم از ۱۶ تا ۲۲ اوت در بروکسل بلژیک برگزار شد. در این کنگره ۳۷۲ نماینده از ۱۶ کشور جهان حضور داشتند. کمیسیون سازمان‌های کارگری سوئیس وظیفه تدارک کنگره دوم را بر عهده داشت.

در کنگره بروکسل، حول شش مسئله مباحثاتی صورت گرفت. مسئله اصلی این اجلاس که ۸ جلسه در چهار روز را به خود اختصاص داد، قانون حمایت از کار و راه‌های اجرایی آن بود. واندرولد، یکی از رهبران جناح سوسیال-رفرمیست، در این زمینه گزارشی ارائه داد که و قطعنامه‌ای را پیشنهاد نمود که با دیدگاهی رفرمیستی تدوین شده بود. چرا که در این گزارش و قطعنامه رابطه صحیح میان قوانین حمایت از کار و مبارزه طبقاتی و نیز آینده این مبارزه توضیح داده نمی‌شد و خود این قوانین به عنوان هدف در نظر گرفته می‌شدند. علاوه بر این در این مباحثات ماهیت طبقاتی دولت بورژوا نیز محو شده بود. این مباحثات با اعتراض جناح انقلابی کنگره روبه‌رو گردید. آگوست بیل، در مخالفت با این قطعنامه سخن‌رانی کرد و گفت: «وظیفه اصلی سوسیال دمکراسی برقراری قوانین حمایت از کار نیست»، بلکه توضیح جوهر و خصلت جامعه مدرن به کارگران است تا این که هر چه سریع‌تر آن را براندازند».

آگوست بیل، در ادامه سخن‌رانی خود تاکید نمود که مبارزه برای حمایت از کار و رفرم‌ها را باید با اهداف انقلابی پرولتری مرتبط نمود و تاکید کرد که البته سوسیالیست‌ها باید برای رفرم و گرفتن امتیازات از بورژوازی مبارزه کنند، اما نه صرفاً برای بهبود شرایط کارگران، بلکه به منظور تلاش برای الغاء سیستم بورژوایی.

در پی این سخن‌رانی بیل، دیگر کسی از قطعنامه و مباحث واندرولد دفاع نکرد. یک کمیسیون ماموریت یافت که قطعنامه پیشین را مورد تجدیدنظر قرار دهد و قطعنامه جدیدی را تدوین نماید. قطعنامه جدید که با مضمون مبارزه طبقاتی کارگران در براندازی سرمایه و رهایی از بردگی کار مزدی بود، توسط کنگره تصویب شد.

یکی دیگر از مباحثی که حول آن مجادله شدیدی در کنگره صورت گرفت، قطعنامه‌ای بود که هیات نمایندگی زنان سوسیال دمکرات ارائه داد. در این قطعنامه آمده بود که تمام احزاب سوسیال دمکرات

باید خواستار برابری کامل میان زن و مرد باشند. واندرولد، طی سخنرانی خود هر چند که اظهار داشت این برابری خوب است، اما ادعا کرد که زنان باید خود را به کار خانگی محدود کنند. این اظهار نظر موجی از اعتراض در کنگره را برانگیخت. شدت اعتراضات به حدی بود که دیگر هم‌فکران واندرولد، که حامل نظرات مشابهی بودند، جرات ابراز آن را نیافتند و قطعنامه تقریباً با اتفاق آرا به تصویب رسید.

بحث دیگر در مورد قطعنامه‌ای پیرامون حق تشکل، اعتصاب و جنبش اتحادیه‌ای بود. آرتور گروسیه، نماینده سندیکاهای فرانسه که عضو تدوین قطعنامه بود، قطعنامه‌ای ارائه داد که دارای گرایشات سندیکالیستی بود و طی آن خواسته شده بود که در هر کشوری کمیته‌ای برای متحد ساختن تمام سازمان‌های کارگری تشکیل شود. این قطعنامه رد شد و به جای آن قطعنامه‌ای تصویب گردید که هیات نمایندگی آلمان آن را ارائه داد. در قطعنامه هیات نمایندگی آلمان، تاکید گردید که اتحادیه‌ها باید به عنوان سلاح مبارزه طبقاتی عمل کنند و اعتصاب و تحریم به عنوان سلاحی که راه را کوتاه‌تر می‌سازند، در نظر گرفته شوند. در این قطعنامه هم‌چنین گفته شد که اقدامات تعرضی و تدافعی، هر دو برابر منافع اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر ضروری است.

کنگره دوم انترناسیونال، یک قطعنامه نیز در مورد ضرورت مبارزه علیه قطعه کاری تصویب نمود. شیوه برخورد حزب کارگران به مسئله یهود نیز یکی دیگر از مباحث کنگره بود. کنگره بروکسل، آنتی‌سمی‌تیزم را به عنوان ابزاری که بورژوازی برای ایجاد شکاف در صفوف کارگران به کار می‌گیرد، محکوم نمود. گفته شد که راه‌هایی یهودیان ستم‌دیده از مسیر‌هایی سوسیالیستی می‌گذرد. از کارگران یهودی خواسته شد که به سازمان‌های کارگری کشورهای خود بپیوندند.

یکی دیگر از بحث‌های مهم کنگره بروکسل، شیوه برخورد طبقه کارگر به مسئله جنگ و میلیتاریسم بود. اکثریت کنگره بروکسل، از قطعنامه هیات نمایندگی آلمان و مباحث ویلهلم لیب‌کنشت، دفاع نمودند. لیب‌کنشت، در سخنرانی خود طبقات حاکم کشورهای سرمایه‌داری را مسبب جنگ‌ها معرفی کرد و نتیجه گرفت که «پیروزی سوسیالیسم، تنها وسیله الغاء میلیتاریسم و برانداختن تهدید جنگ میان ملت‌هاست.» در قطعنامه‌ای که وی ارائه داد نیز بر همین مسئله تاکید گردید و گفته شد: «تنها ایجاد یک نظام اجتماعی سوسیالیستی یعنی نظامی که استثمار انسان از انسان را برمی‌اندازد، می‌تواند به میلیتاریسم پایان دهد.» قطعنامه در حالی که طبقات حاکم را مسئول تدارک و ایجاد جنگی معرفی می‌کرد که بار آن اساساً بر دوش کارگران خواهد شد، از پروتترهای جهان می‌خواست که علیه شوینیسیم دست به اعتراض بزنند، علیه میلیتاریسم و اتحادهای نظامی قدرت‌های جهانی مبارزه کنند و یک انجمن بین‌المللی کارگران ایجاد کنند.

علاوه بر این قطعنامه، یک قطعنامه دیگر نیز توسط نیوون هاوس، از هیات هلندی ارائه شد که به مبارزه علیه میلیتاریسم می پرداخت و بر ایده اعتصاب عمومی به عنوان ابزاری برای جلوگیری از جنگ تاکید داشت. این قطعنامه رد شد، اما قرار شد که ایده برپایی اعتصاب عمومی در آغاز جنگ، در قطعنامه پیشنهادی آلمان آورده شود.

اجلاس پایانی کنگره در برابر جریانات اپورتونیست - رفرمیست و سانتریست که می خواستند روز همبستگی بین المللی عملا جدی گرفته نشود، قطعنامه ای را پذیرفت که در آن گفته شد: تظاهرات همبستگی بین المللی با شعار ۸ ساعت کار روزانه باید در اول ماه مه برگزار شود.

### کنگره زوریخ

بر طبق مصوبات کنگره دوم انترناسیونال دوم، رهبران سازمان های کارگری سوئیس به منظور تدارک بعدی در ژانویه ۱۸۹۲ یک کمیته سازمان دهی تشکیل دادند. بنابراین سومین کنگره بین الملل سوسیالیست یا انترناسیونال دوم در ۶ اوت ۱۸۹۳ در زوریخ تشکیل گردید. ۴۳۸ نماینده از ۲۰ کشور جهان در این اجلاس حضور یافتند.

کنگره زوریخ، یک قطعنامه تقریبا با همان مضامین قطعنامه کنگره بروکسل راجع به جنگ تصویب نمود. در این قطعنامه شوینیسیم شدیداً محکوم گردید. احزاب سوسیالیست موظف شدند که دست به یک تبلیغات گسترده و همه جانبه علیه جنگ به ویژه در پارلمان ها و پادگان ها بزنند. به اعتبارات جنگی رای ندهند و خواستار خلع ید شوند.

لوئیس کائوتسکی، یکی از زنان سوسیال دمکرات آلمان، قطعنامه ای در مورد نیازهای حمایت از کارگران را ارائه داد که از پشتیبانی دیگر زنان برجسته جنبش کارگری سوسیالیستی از جمله کلارازتکین، آناکولی سی یف، و نمایندگان هلند، بریتانیا، چک و روسیه نیز برخوردار بود. این قطعنامه خواستار «۸ ساعت کار روزانه برای زنان، ۶ ساعت برای دختران نوجوان، ممنوعیت کار شبانه برای زنان، ۴ هفته مرخصی دوران بارداری، پرداخت دست مزد مساوی در ازای کار مساوی و ضرورت مشارکت زنان در مبارزه طبقاتی، اتحادیه ها و احزاب سوسیالیست» بود. اکثریت شرکت کنندگان در کنگره زوریخ، با این قطعنامه موافق بودند، اما یک اقلیت ضعیف که گرایش فمینیسم بورژوازی را نمایندگی می کرد، مخالف آن بود. اوژنی کلائی سن، عضو هیات نمایندگی بلژیک مدافع این نظر بود. او از مرتبط دانستن مسئله زن با جنبش طبقه کارگر امتناع می ورزید. مخالف شرکت زنان در جنبش طبقه کارگر بود و علاوه براین، ادعا می کرد که مردان بدترین دشمنان زنان هستند. این نظر رد شد و کنگره با یک اکثریت بالا قطعنامه اول را تصویب کرد.

قطعنامه دیگری که به تصویب رسید، به مسئله زمین مربوط بود. در این قطعنامه، آمده بود: «زمین

باید به مالکیت عمومی درآید و سوسیال دمکراسی وظیفه دارد کارگران کشاورزی را برای سوسیالیسم سازمان دهی کند.

کنگره زوریخ، قطعنامه ویکتور آدلر، در مورد مبارزه برای حق رای عمومی بدون تبعیض جنسی و نژادی و کمک بین‌المللی به مبارزه دمکراتیزه کردن را نیز تصویب نمود.

قطعنامه‌های دیگری نیز در کنگره زوریخ، نظیر قطعنامه بر سر اتحادیه‌های کارگری، تشکیل فدراسیون‌های ملی اتحادیه‌ها در تمام کشورها و برقراری پیوند محکم میان آن‌ها، تاکتیک‌های سوسیال دمکراسی، قطعنامه در مورد اول ماه مه و مبارزه برای ۸ ساعت کار روزانه به تصویب رسید. کنگره زوریخ، زمان و مکان کنگره بعدی را در سال ۱۸۹۶ در لندن تعیین کرد و به کار خود پایان داد.

### کنگره لندن

در ۲۷ ژوئیه ۱۸۹۶، چهارمین کنگره انترناسیونال دوم بود که در لندن برگزار گردید. حدوداً ۷۰۰ نماینده از ۲۲ کشور جهان در این اجلاس بین‌المللی حضور یافتند که البته از این تعداد ۴۰۰ عضو هیات بریتانیایی بودند.

کنگره لندن، کار خود را با بحث بر سر قطعنامه‌های کنگره پیشین در مورد عدم پذیرش آنارشیست‌ها به اجلاس آغاز نمود. یک روز تمام این بحث به درازا کشید تا بالاخره مواضع قطعنامه‌های کنگره قبلی مورد تایید قرار گرفت و گروهی از آنارشیست‌ها اخراج شدند. اما تعدادی از آنارشیست‌ها و نیمه آنارشیست‌ها باقی ماندند. در این کنگره نیز گرایش‌های مختلفی که در دورن جنبش کارگری نفوذ داشتند، حضور خود را حفظ کردند.

در اجلاس کنگره لندن، چندین قطعنامه به تصویب رسید که بیانگر قدرت و نفوذ گرایش‌های مختلف و خط مشی حاکم بر جنبش کارگری بود. یکی از مهم‌ترین قطعنامه‌ها، قطعنامه مربوط به اقدام سیاسی بود. هر چند که مسئله محوری این قطعنامه، موضع در مورد مسئله انتخابات و شرکت پارلمانی بود، اما روی مسایل دیگر نیز انگشت می‌نهاد. قطعنامه می‌گفت: این کنگره، عمل سیاسی را به مثابه مبارزه سامان یافته در تمام اشکال آن، برای کسب قدرت سیاسی، درک می‌کند.

یکی دیگر از مباحث کنگره لندن، در مورد شرایط و امکان توافق و سازش با احزاب بورژوایی بود. در اصل، این توافق یا سازش پذیرفته شد، اما در عین حال تاکید گردید که این سازش‌ها «تحت هیچ شرایطی نباید اصول ما و استقلال احزاب سوسیالیست را به مخاطره اندازد.»

در این کنگره، بحث مفصلی در مورد مبارزه اقتصادی طبقه کارگر صورت گرفت و قطعنامه‌ای هم در این مورد تصویب شد. در این قطعنامه بر جایگاه پراهمیت اتحادیه‌ها به عنوان سازمان‌هایی که برای

مبهم‌ترین نیازهای کارگران مبارزه می‌کنند و توده کارگر را متشکل می‌سازند و آموزش می‌دهند تاکید شده بود. از اتحادیه‌ها خواسته می‌شد که اقدامات انحصارات را افشا کنند و می‌گفت: اتحادیه‌ها برای این که بتوانند در برابر این اقدامات انحصارات مقاومت کنند، باید متحد باشند. قطعنامه نشان دادن رابطه و همبستگی مبارزه اقتصادی و سیاسی، بر این نکته تاکید داشت که «طبقه کارگر بدون کسب قدرت سیاسی و اجتماعی کردن وسایل تولید، تنها می‌تواند این استثمار را تخفیف دهد، اما نمی‌تواند آن را براندازد.» این قطعنامه با اشاره به یک رشته مطالبات کارگری و تاکید بر ۸ ساعت کار روزانه، خاطرنشان می‌ساخت که روز همبستگی بین‌المللی باید ترجیحا اول ماه مه برگزار شود. این تاکید به خاطر آن بود که گرایش راست از برگزاری روز همبستگی بین‌المللی در اول ماه مه سر باز می‌زد.

قطعنامه‌هایی نیز در مورد شرایط بهتر کار، ممنوعیت کار کودکان، حمایت از کار نوجوانان و امکانات آموزشی برابر برای همگان تصویب شد.

در این کنگره، راجع به مسئله جنگ و موضع در قبال آن بحث شد. قطعنامه ضمنا خواهان الغاء ارتش‌های دائمی و تسلیح عمومی بود.

کنگره لندن، در زمینه تشکیلاتی نیز گامی به پیش نهاد. پس از گذشت چند سال از برگزاری نخستین کنگره بین‌الملل سوسیالیست‌ها در پاریس، کنگره لندن برای سر و سامان دادن به وضعیت تشکیلاتی انترناسیونال دوم و نقش رهبری‌کننده آن در جنبش بین‌المللی کارگری، قطعنامه‌ای در مورد مسایل تشکیلاتی تصویب نمود. در این قطعنامه توصیه شده بود که یک بوروی بین‌المللی متشکل از نمایندگان سازمان‌های کارگری و سوسیالیستی تمام کشورها ایجاد شود. به کمیته موقت متشکل از هیات‌های منتخب برای پیش‌برد این امر، دستور داده شد که تا کنگره بعدی طرحی برای این پروژه تهیه نمایند تا مورد بحث و تصمیم‌گیری قرار گیرد.

در کنگره لندن، مطالبات مشخص طبقه کارگر جمع‌بندی شد و بر طرح و پیش‌برد این مطالبات برای بهبود وضع طبقه کارگر، سازمان‌دهی پرولتاریا در جریان مبارزات جاری روزمره و نفوذ توده‌ای احزاب سوسیالیست تاکید گردید. همچنین در این کنگره، زمان و مکان کنگره بعدی را ۱۸۹۹ در آلمان تعیین نمود. در همین زمینه تصمیم گرفته شد که اگر برگزاری این کنگره در زمان و مکان تعیین شده، امکان‌پذیر نبود، در ۱۹۰۰ در فرانسه برگزار شود.

لازم به تاکید است که هنگام برگزاری این کنگره، دو واقعه مهم در رابطه با جنبش کارگری پیش آمد. یک واقعه همان‌گونه که در بالا گفته شد، در کنگره لندن، گروهی از آنارشیست‌ها از هیات نمایندگی اخراج شدند و در مباحث و تصمیم‌گیری‌های کنگره حضور نداشتند. اما تعدادی از نمایندگان یا

هیات‌های نمایندگی که دارای گرایش‌های آنارشیستی و نیمه آنارشیستی بودند، باقی ماندند. آن‌ها نیز در جریان مباحث مربوط به قطعنامه اقدام سیاسی قرار داشتند، اما به محض تصویب این قطعنامه کنگره را ترک کردند و در ۲۹ ژوئیه در تالار سن‌مارتین گرد آمدند و به پیشنهاد نیوون هاوس هلندی، بر تجمع خود نام کنفرانس کمونیست‌های انقلابی و آنارشیست‌های کمونیست نهادند. رویداد مهم‌تر دیگر، تشکیل اولین کنفرانس زنان سوسیالیست بود. ۳۰ تن از نمایندگان سوسیالیست زن، در جریان کنگره لندن، نخستین کنفرانس خود را تشکیل دادند. در این کنفرانس، رابطه جنبش‌های فمینیستی بورژوازی و جنبش‌های زنان پرولتری مورد بحث قرار گرفت. کنفرانس به این نتیجه دست یافت که باید با جنبش‌های فمینیستی مرزبندی داشت. کنفرانس همچنین از احزاب سوسیالیست می‌خواست که فعالیت خود را در میان زنان کارگر تشدید کنند.

در یک ارزیابی کوتاه از انترناسیونال دوم، می‌توان گفت که انترناسیونال دوم، بر خلاف انترناسیونال اول، با مشکل آنارشیست‌ها روبه‌رو نبود، بلکه از همان آغاز با خطر گرایش راست رفرمیست روبه‌رو بود. این گرایش، هر چند که در این چهار کنگره در اقلیت قرار داشت، اما اقلیتی قوی بود و تاثیر خود را به هر شکل ممکن بر تصمیمات و قطعنامه‌های باقی می‌گذاشت. اما مهم‌تر از همه جریان مسلط را گرایشی تشکیل می‌داد که ضمن دفاع از مارکسیسم و سوسیالیسم علمی حامل گرایش‌های سانتریستی بود. این گرایش که هنوز یک سانتر متمایل به چپ بود، بر سر مسایل مختلف به راست رفرمیست امتیاز و میدان می‌داد. همچنین جریان مارکسیست انقلابی، هنوز خود را از این گرایش تفکیک نکرده بود.

۱۸ اکتبر ۲۰۰۴

ادامه دارد